

حسین شرنگ

در صبح یک زندگی دیگر
بر می خیزم
یا در شبِ مطلق می خوابم؟

از دوزخ قاموس بابل
هرگز آهی
دهن ام را گرم خواهد کرد؟

مردم این جا!
مردم آن جا!
شایعه‌ی مشتی نعش!

این جا!
آن جا!
جغرافیِ مشتی حرف!

نعش نشئه‌ی واژه
در تابوت روان
قدمت پیش از کیهان

خاموش می شوم آن قدر
خاموشی جِ همه‌ی اول
زیر گامِ آخر

برای گوش ام دیگر
چه استراحت پروانه
چه سقوط فلکِ هفتم

در تهیِ بُهت می افتم
مبهوت می میرم
از سر می گیرم بُهت

چند گوشه از گوش دیگر
برای روانشاد آینده: خودم

می آید مرگ
با گام های ژرف "گادزیلا"
بر هندسه ام گوشه‌ی دیگر می افزاید

ریخت های آرام
سرسام می گیرند
گوش هایم عربده می خایند

دور و برم اشیاء
از ریخت های پنهان فضا
کرباس برق می پوشند

شهر از قفس معمار
از طوطی مرده‌ی بازرگان
پرواز می آموزد

برج ها به فضا خیز بر می دارند
چاه ها ماهواره می بلعند
رعد در شکم زمین می غرد

با خردِ مرموزِ این جا
هرگز بویی
از چیستانِ آن جا خواهم بُرد؟

برای محمد علی و مهدی شریفی واعظ

من پل دنیاهایم
می‌گذرد از من دنیا
- بی‌دیگر می‌آید

هر دم
زندگی رودی
می‌گذرد از زیرم

آب‌های بسیار
از سایه‌ی پیوسته‌ی من
رنگ می‌گیرند

ماهی‌های سایه‌ی من
از بامداد پیدایش
خاطره‌ای خاموش دارند

خواب‌افق‌ها در سر
بین دو ساحل
روئیای ستون‌هایم

ایستاده‌ام
تا گم بشود
گام ابدیت

تا روزن روشن از
تکرار گره
کور بشود

تا گذرنده
ببرد از یاد
که می‌گذرد

تا گذر محض
بر پُل من
محض گذر باشد